

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

جذب کار ایران – توفان

۲۵ جون ۲۰۱۱

قتل عام مردم نیز اعدام است

اعدام خوب و اعدام بد

اخیرا سازمان عفو بین الملل اسنادی منتشر کرده است که به موجب آن چین در عرصه اعدام مقام نخست و ایران مقام دوم را دارد. در کنار چین و ایران نام بحرین ، یمن، عربستان سعودی و امریکا هم به چشم می خورد. اگر برای تعیین رتبه اول از قدر مطلق تعداد اعدامها حرکت کنیم طبیعتا چین رتبه نخست را خواهد داشت و تا لغو کامل اعدام در جهان نیز به احتمال قوی این رتبه را حفظ خواهد کرد زیرا چین پر جمعیتترین کشور جهان است. ولی اگر جنبه نسبی به تعداد اعدامها بنگریم مقام نخست به ایران می رسد زیرا تعداد اعدامها در این کشور نسبت به تعداد جمعیت از همه کشورهای جهان بیشتر است.

اعدام در ایران یک خصوصیت دیگر هم دارد که از ویژگیهای اعدام در ممالک استبدادی است. شاه برای اعدام گروه جزئی مدعی شد که آنها را در حال فرار کشته است در حالیکه دادگاه به جرم آنها رسیدگی کرده بود و به زندانهای طویل المدت محکوم شده بودند. این خمینی نبود که در سال ۱۳۶۷ به قتل همه کسانی فرمان داد که دوران زندانی خویش را قانونا سپری کرده و یا در حال گذراندن آن بودند و بدعت جدیدی را بنیان گذارد این شاه بود که بدعت گذار این نوع اعدام بود. در ایران اسلامی شفافیت وجود ندارد و امنیت قضائی محلی از اعراب ندارد. وقتی کسی را به دار می زنند شما در واقع نمی دانید جرم واقعی وی چه بوده است. برایش پرونده سازی کرده اند؟ ملانی با وی خصومت داشته است؟ این اعدام در اثر انتقامجویی شخصی است و یا وی را به خاطر فعالیت سیاسی و دگر اندیشی به دار آویخته اند. در ایران همه مردم به علت فقدان امنیت قضائی و فساد دستگاه در قدرت، به علت اعمال نفوذ مقامات و ارباب قضات و وکلای مدافع گروگان رژیم جمهوری اسلامی و مشتکی مافیای در قدرت هستند. مافیای در قدرت مسؤل ناامنی در ایران و افزایش تعداد اعدامهاست تا خود را با ایجاد ارباب بر سر کار نگهدارد. این رژیم برای جان انسانها ارزشی قایل نیست. توجه کنید نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان ملت که وظیفه نظارت بر حسن اجرای فعالیتهای دولت و قانونگذاری را دارند مانند اوباش در جلوی دوربین تلویزیون جمع می شوند، مشتها را به هوا می گیرند انگاری که محارب با خدا هستند و عربده می کشند موسوی و کروبی

اعدام باید گردند. مو بر تن بیننده راست می شود. نمایندگان مجلس از بالای سر قوه قضائیه و همه قوانین کشور حکم اعدام صادر می کنند و شرم هم ندارند که با این کار وضعیتی را در جامعه ایجاد می کنند که کسی احساس امنیت نمی کند. اخلاق جامعه را به سقوط می کشاند زیرا میلیونها مردم از ترس جانشان باید با دو روئی و عذاب وجدان، با کشیدن گلیم خویش از آب و بی توجهی به مصلحت عمومی زندگی کنند. البته در کشوری که ولی فقیه بر بالای سر همه فرمان می راند و نماینده خدا بر روی زمین است و خودش می برد و می دوزد و می تواند بدون ترس از تعقیب فرمان قتل صادر کند و یا آنرا لغو نماید و جامعه را به عهد دوران قبیله نئی اسلامی بکشاند از نمایندگان استصوابی مجلس شورای اسلامی چه می توان انتظار داشت. شاید خود آنها نیز می ترسند اگر عریده نکشند با عریده دیگران سرشان بر بالای دار رود.

در گذشته امپریالیستها موفق شدند با یک کارزار ایدئولوژیک در عرصه جهانی از امر انسانی "دفاع از حقوق بشر" وسیله ای بسازند تا با تحریک افکار عمومی رژیمهای نامطلوب خویش را تحت فشار قرار دهند. در رقابت با روسها هر عطسه زخاروف که به وی جایزه نوبل نیز داده بودند به یک جنجال سیاسی بدل می شد ولی شاه دسته دسته جوانان ایران را می کشت و آب از آب تکان نمی خورد. امپریالیستها در حالی که خود زندان ابوغریب را داشتند و زندانیان را شکنجه می کردند، به آنها تجاوز می کردند. در حالیکه زندانهای مخفی "سیا" را دارند و در گوانتانامو انسانها را مانند حیوان نگاه می دارند و حاضر نیستند آنها را به بهانه انسانهای بی حقوق در مقابل دادگاههای عادی قرار دهند. در حالیکه اعترافات به اساس شکنجه را مغایر همه موازین حقوقی و انسانی مانند اعتراف گیری های دوران مگاکهای نمود و متعفن شکنجه گاههای قرون وسطی معتبر جا می زنند. در حالیکه متهمان را برای شکنجه با نظارت مأمورین امنیتی امریکا به مصر و لهستان و رومانی و ممالک بالتیک با پروازهای خصوصی اعزام می کنند به سایرین ایراد می گیرند که شما حقوق بشر را رعایت نمی کنید. وقتی امریکا و اسرائیل که خود از بزرگترین جنایتکاران جهانند خود را در جای دادستان می نشانند و جمهوری اسلامی و یا چین و برمه و... در جای متهم به هر انسان منصفی حالت تهوع از این همه دورئی و ریاکاری دست می دهد. جنایت و شکنجه و اسارت و تجاوز در امریکا یک اقدام با نقشه و تنظیم شده است. وقتی کسی می داند که محل شکنجه گاه ها را به کدام کشورها منتقل کند، با کدام پرواز متهمین را به مقصدهای منتخب اعزام دارد، کدام مأمور را به کجا بفرستد که مستقیماً شکنجه دهد و یا تنها ناظر بوده و فرمان شکنجه را صادر کند و سپس گزارشهای مربوطه را به مقامهای بالا ارسال کند و این اقدام بارها و بارها در یوگسلاوی، عراق، افغانستان، پاکستان و... تکرار شود دیگر نمی توان از آن به عنوان یک امر اتفاقی و یا خطای یک سرباز "بی انضباط" سخن راند. این سیستم است و بخشی از سیستم امپریالیستی جهانی. نقض حقوق بشر و اجرای اعدام قانون اساسی جامعه سرمایه داری است و اگر تا دیروز تنها دفاع از حقوق بشر ابزار عوامفریبی بود امروز حمایت از لغو حکم اعدام به وسیله عوامفریبی و ریاکاری بدل شده است.

این عوامفریبی چگونه صورت می گیرد؟

کافی است شما شکل مسأله را عوض کنید. طناب دار را بردارید و به جای آن آتش مسلسل را بگذارید. جرم متهم را نیز نوع دیگری تعریف کنید. به جای اینکه بگوئید قاچاقچی مواد مخدر، زناکار، دزد، قاتل... بگوئید خرابکار، تروریست. وظیفه را از دوش قوه قضائیه بردارید و به عهده کمیته های ضد تروریست بگذارید.

اگر رئیس جمهور امریکا و یا اسرائیل مستقیماً فرمان قتل را مانند ولی فقیه صادر کردند مانند صدور فرمان ترور فیدل کاسترو توسط رئیس جمهور امریکا آنوقت نام این اقدامات دیگر اجرای مجازات اعدام نیست. اسمش هست

مبارزه با تروریسم. کشتن انسانها فقط زمانی زشت و قابل اعتراض است که برچسب تروریستی نداشته باشد با طناب اعدام و در ملاء عام باشد و به ویژه اگر از وسیله جرتقیل نیز برای ارباب عمومی استفاده شود. وگرنه کشتن یک "تروریست" با بستن خیابانها و حضور خبرنگاران نه جنبه ارباب دارد و نه در ملاء عام است اسم آن در ممالک امپریالیستی آزادی افکار و ایجاد شفافیت است. تروریست یعنی کسی که فاقد هرگونه حقوق انسانی است. حقوق بشر در مورد وی اعتباری ندارد به ویژه اگر مسلمان بنیادگرا باشد که فرمان قتلش از مدتها قبل توسط عمال خود فروخته و یا مأمورین و جاسوسان جنگ روانی آماده شده است. این است که اگر صد تا "تروریست" را در جا بکشید وجدان کسی معذب نمی شود ولی اگر یک قاتل عادی را به اساس قوانین موجود خوب و یا بد آن به هر حال در این بحث مطرح نیست بر روی صندلی الکتریکی بنشانید وجدان عمومی معذب می شود.

وضعیت روانی جامعه را طوری تربیت کرده اند و مغزها را طوری شست و شو داده اند که اجرای حکم اعدام اگر در مورد یک نفر باشد مسمن کننده و ضد بشری است و باید سازمانهای مخالف اعدام در سراسر جهان برای لغو حکم اعدام به وجود آورد و آنها را در زمانی که مصلحت ایجاب می کند فعال کرد ولی اگر اعدام به صورت غیر انسانی دسته جمعی باشد اعتراض عمومی وجود ندارد و احساسات کسی برانگیخته نشده است. این نیز تعریف دیگری از ویژگیهای حکم اعدام است. **قتل یک نفر جرم است و اعدام محسوب می شود ولی قتل عام جرم نیست و نامش مبارزه علیه تروریسم است.** حقیقتا درک معیوبی از رابطه لغو حکم اعدام و اجرای حقوق بشر وجود دارد.

اگر اسرائیل صهیونیست در نوار غزه به نسل کشی دست بزند و مردم غیر مسلح را بمباران کند و برسرشان بمب فسفر بیندازد تا بسوزند و نابود شوند اشکالی ندارد، به نظر آنها که بسیار هم آنرا بدیهی می دانند و جلوه می دهند این عمل هرگز اعدام نیست، زیرا اسرائیل "تروریستهای حماس" را می کشد. کسی نمی گوید که این "تروریستها" منتخب مردم فلسطین هستند و برای رهائی کشورشان از دست یک نیروی اشغالگر و نژادپرست مبارزه می کنند و مبارزه آنها به هر نحو که باشد و با هر وسیله ای که صورت بگیرد و در هر سطحی که باشد مشروع و قابل فهم است.

یا اگر اسرائیل به جنوب لبنان حمله کند و بر سر مردم عادی بمبهای خوشه ئی پرتاب کند تا کودکان نابود شوند به جرم اینکه این مردم "تروریست حزب الهی" هستند، این عمل ضد بشری به نظر این اندیشمندان صهیونیست اعدام دسته جمعی محسوب نمی شود زیرا به ضد "تروریستها" صورت گرفته است. کسی از این بشر دوستان حرفه ئی و یا هواداران لغو حکم اعدام به سخن نمی آید که این مردم در لبنان می خواهند که نیروی اشغالگر خاک کشورشان را ترک کند و این حق مشروع آنهاست که به ضد اعدام دسته جمعی و نسل کشی به پا خیزند و مبارزه کنند

یا اگر امپریالیست امریکا در افغانستان بمبهای خوشه ئی و عروسکی پرتاب کند تا کودکان افغانی به قتل برسند و یا اگر بمبهای ضد تانک با اورانیوم رقیق شده در جنگ یوگسلاوی، عراق، افغانستان به کار برد و یا هواپیماهای بی سرنشینش صدها سرنشین خود روهای خصوصی مردم را بدون حکم دادگاه و اثبات جرم به قتل برساند و یا در فلوجه بر سر مردم عراق بمبهای فسفر بیندازد تا همه آنها را تنها به ادعای اینکه تروریست هستند بسوزاند، کسی از این گروه ها به خیابانها نمی ریزد که بگوید اعدام دسته جمعی به هر صورت ضد بشری و محکوم است و آن هم، نوع وحشتناکتری از اعدام است. کسی از آنها در حمایت از مردم مبارز منطقه فریاد نمی زند که آنها انسانند که برای پایان دادن به اشغال کشورشان اعتراض دارند و محقند که به ضد قوای اشغالگر به هر وسیله ای مبارزه کنند. آنها حق دارند که قوای اشغالگر و صهیونیست و نژادپرست را تروریست بدانند و کشتار قومی و نسل کشی را از مقوله اعدام بدانند. آنها حق دارند بگویند قتل عام نیز اعدام در ابعاد وسیعتر است.

اگر دولت اسرائیل که چندی پیش یک کمونیست مترقی یهودی را که از حقوق فلسطینیها دفاع می کرد ترور کرد و مدعی شد که وی را حماس کشته است مخالف اعدام است و در کشورش خلاف ایران کسی را به طناب دار آویزان نمی کند دلیلش این است که طنابهای دارش را به لبنان و فلسطین و سوریه و اردن و... برده است. هر وقت اراده کند با گذرنامه جعلی از ممالک متحدش نظیر المان و انگلیس و فرانسه مخالفینش را در جزیره مالت و یا دوی اعدام می کند و ردپای طناب دارش را جا می گذارد. قتل دانشمندان اتمی ایران به دست اسرائیل اعدام نیست مبارزه با تروریسم برای حفظ امنیت اسرائیل است.

در اینجا ما می بینیم که چگونه همانگونه که حقوق بشر به ابزار سیاسی برای پیشبرد نیات شوم و ضد انسانی بدل شده است لغو حکم اعدام نیز در کنار آن قرار گرفته است. همان روش دو ریانه ای که در برخورد به اجرای حقوق بشر در ایران و مصر و تونس و بحرین و عربستان سعودی و یمن و اسرائیل و .. وجود دارد امروز در مورد اجرای حکم اعدام برقرار شده است. امپریالیستها با دو معیار به حقوق بشر و اجرای حکم اعدام برخورد می کنند. تفسیر آنها از آدمکشی گزینشی و مطابق مصالح آنهاست. آنها اگر لازم باشد حاضرند میلیونها نفر را نیز نابود کنند تا منافعشان حفظ شود. فریب این ریاکاران را خوردن خطرناک است. به این جهت برخورد به لغو حکم اعدام را نیز باید بر متن مبارزه طبقاتی و شناخت انگیزه های سیاسی دشمنان طبقاتی مطرح کرد. باید مرزهای تاکتیکی و تبلیغاتی را از تئوری سازی برای مبارزه با تروریسم شفاف نگاهداشت و همیشه به نتایج عملی کاری که صورت می گیرد اندیشید.

پیوند دادن میان قتل و قتل عام در مبارزه برای لغو حکم اعدام یک اقدام به جا و افشاءگرانه است زیرا این شعار نشان می دهد که دشمن از لغو حکم اعدام در پی توجیه اعمال قهر طبقاتی خویش به هر وسیله تبلیغاتی است. این شعار بدون توجه به ایجاد این پیوند افشاءگرانه، به مفهوم آن است که دول سلطه گر و استعماری از اعمال قهر و سرکوب و فروش و تولید تسلیحات و اعمال شکنجه و آموزشهای نظامی و ایجاد سازمانهای امنیتی و سرکوب و چشم پوشیده اند که با واقعیت در تناقض کامل است و این پاشیدن خاک به چشم مردم محسوب می گردد تا اعدام به صور دیگر هنوز ادامه حیات دهد. افشاء تروریستهای جهانی که ملتها را نابود می کنند بهترین شعار و تاکتیکی است که دست عمال مودی صهیونیستها و امپریالیستها را در مبارزه برای لغو حکم اعدام رو می کند. تعداد اعدامها در ایران شامل اعدامهای شناخته شده با پوشش قضائی نیست همه قتلهای سیاسی زنجیره ای نیز اعدام است. کشتار مردم فلسطین و لبنان و لیبی و عراق و افغانستان نیز اعدام است. کسانی که تنها در لغو حکم اعدام پای چین و جمهوری اسلامی را به میان می کشند ولی از قتل عام مردم فلسطین و لبنان و عراق و افغانستان و... توسط صهیونیستها و امپریالیستها حرف نمی زنند صمیمانه خواستار لغو حکم اعدام نیستند. آنها لغو حکم اعدام را از یک پرچم انسانی به مسلسل یوزی اسرائیلی بدل کرده اند.

بر گرفته از توفان شماره ۱۳۶ تیر ماه ۱۳۹۰ ماه ژوئیه ۲۰۱۱، ارگان مرکزی حزب کار ایران

www.toufan.org

صفحه حزب کار ایران (توفان) در شبکه جهانی اینترنت.

نشانى پست الكترونيكى (ايميل).

toufan@toufan.org